

به نام خدا

[www.konkur.in](http://www.konkur.in)

# سایت کنکور



هر آنچه در دوران تحصیل به آن نیاز دارید

[Forum.Konkur.in](http://Forum.Konkur.in)

پاسخ به همه سوالات شما در تمامی مقاطع تحصیلی، در انجمن کنکور

مدیریت سایت کنکور : آراز و فراز رهبر

## تعداد مروف الفبا

ای کاش زخم کم بزند مرف مداوم      ای کاش شود هر دو اذن سنگ مقاوم  
وقتی که شمردم همه مرف الفبا      گشتند همه بیست و بعلاوه هشت تا

## اسم از نظر تعداد

اسم باشد نام میوان و بشر      یا مفاهیم است و اشیاء دگر  
اسم در تعداد باشد بر سه نوع      مفرد و یا المثنی و جموع  
اسم مفرد بر یکی باشد دلیل      و مثنی بر دو تا ای مش فلین  
«ان» و «ین» علامتهای آن      افر اسم مثنی ای جوان  
آنکه بر بیش از دو باشد پیست نام      راست گفتم جمع بود ای فوش مرام  
جمع سه نوع باشد نمی دانی بدان      جمع تکسیر و دو دیگر را بفوان  
جمع سالم در مؤنث یا ذکر      طالبات یا عالمون ای گل پسر

## اسم از نظر جنس

اسم در جنس بر دو نوع است ای پسر      یا که ماده باشد و یا جنس نر  
ماده را گویند مؤنث یا که زن      جنس نر باشد مذکر چون مسن



ماده را گویند مؤنث یا که زن  
یا مقیقی یا مجازی است در سفن

### علائم مؤنث

از علامتهای تانیث ات بگو  
گر نمی دانی ز داناها بگو

تای تانیث است از زنها نشان  
یا که معنائی بود همچون یدان

یا پو کبری آفرش مقصوره است  
یا که تای گرد همچون سوره است

یا پو بیضاء همزه ایست بعد از الف  
همزه گاهی می شود بس مفتلف

آفر اسم مذکر تاء بنه  
تا پدر گردد به جنسی چون ننه

معنوی باشد مؤنث در علم  
نام کشورها و شهر مانند بم

اسم مفتص مؤنث همچون افت  
عضوهایی از بدن که هست بفت

یا که بعضی را به فاطر برسیار  
مثل شمس و مرب و بئر و نفس و نار

### اسم معرفه و نکره

اسم را یا نکره دان و معرفه  
معرفه شش دان عزیزم این دفعه

یک ضمیر و دو بود موصول و سه  
معرفه بر ال شمار بی وسوسه

پهارمی باشد اشاره پنج گو  
وآن علم باشد و شش بی گفتگو



## اسم از نظر حر که حرف آخر

اسم یا مبنی است یا معرب مسن      اسم مبنی ثابت است مانند من

اسم معرب چون غفور است و جلیل      حر که آخر بده تغییر و بیل

## منصرف و غیر منصرف

منصرف تنوین پذیر است ای پسر      کسره هم گیرد بدون در دسر

غیر آن تنوین نگیرد کسره هم      جای کسره فتمه گیرد دم به دم

اسمهای غیر منصرف عبارتند از:

یک: علم در جنس تانیث است نشان      دومی یا کشور است یا شهرمان

سومی باشد علم در اجمی      وزن افعال را بدانید پارمی

پنجمی باشد مفاعیل ها و غیر      غالب اسماء ممدود بالکثیر

ششم اسم زائده بر ا و نون      چون سلیمان نام بر آن را کنون

## فعل و نشانه های آن

فعل یعنی چه؟ یعنی انجام کار      در زمان ماضی و حال ای نگار



یا که در آینده نزدیک و دور  
همچو سیزدهبُ یا سوفَ یثور  
اوّلش گاهی قداست و گاه لم  
گاه لَمّا آیدش یا سین هم  
یا در آفرتای ساکن (ت) با گرفت  
یا ت و ت با تماهما ... پا گرفت

### انواع مرف

بر دونه تقسیم کردند مرف را  
عامل و یا غیر عامل گو چرا؟  
غیر عامل شد مروف عطف أفا  
واو فالیه و یا مرف ندا  
نون تا کید و مروف نفی چو لا  
مرف استفهام و استقبال با  
فاء جواب شرط یا نونی که در  
فعل و ما بین ضمیر آید پسر  
مرف عامل شد مروف نصب و جر  
لای نفی جنس و یا جزم ای پسر  
بعد مروفی که شبیه هستند به فعل  
همچو ان در کلام ، ان سهیل ...

### مروف جر

با ء و تاء و کاف و لام و واو و منذ و مذ ، فلا  
رُبّ ، ماشا ، من ، عدا ، فی ، عن ، علی ، متی ، الی

### مروف ناصبه



شد مروف ناصبه أن، لن، إذن  
لام تعلیل و کی و متی و أن  
جمله بر فعل مضارع در روند  
ضمه را از آخر آن می برند  
فته شد بر جای ضمه پادشاه  
جمله نونها شد از آخر تباہ

### مروف بازمه

شد مروف بازمه لماً و لم  
لای نهی و لام امر شش صیغه کم  
جمله بر فعل مضارع در روند  
ضمه را از آخر آن می برند  
ضمه را تبدیل یه اسکان می کنند  
نونها را جمله بی نان می کنند  
زور و نصب بازمه بر ما رسید  
چون به فانمها رسید قلبش تپید

### حروف مشبیه بالفعل

إنّ و أنّ ، کأنّ ، لیتّ ، لکنّ، لعنّ  
ناصب اسمند و رافع در فبر

### لای نفی جنس

نفی جنس را بر سر اسم آورید  
فته را در آخر اسم جا دهید

### انواع فعل ماضی

#### ماضی استمراری



کانَ را گر با مضارع جم کنی      ماضی استمراری با آن دم کنی

### ماضی بعید

من که نا آگاه بودم از بعید      اینچنین اش سافت آن را چون سعید

کانَ را با قد اول جم نمود      بعد از آن با فعل ماضی هم نمود

### ماضی نقلی

اول ماضی اگر قد آورى      ماضی نقلی از آن می پروری

### فعل از نظر ریشه

یا ثلاثی یا رباعی است فعل ما      یا مزید است یا مجرد هر دوتا

درس ما حالا رسید بر بابها      بابها را کاش می برد آبها

بابها را تو مزید بشمار یک      بابها هستند مزید مستر دریک

### مرکت همزه امر

همزه امر اکثرا مکسور شد      وانگهی که ضمه از عین دور شد

امر اگر از باب افعالش کنی      فتمه را باید به دنبالش کنی

گر نباشد صرف اول را سکون      پس تو آن را فعل امر فود بدون



### فعل لازم و متعدی

فعل لازم فاعلی فواهد فقط	می توان آن را پیامفت در سه فضا
فعل متعدی فواهد هر دو را	فاعل و مفعول و بعدش ما سوا
با چه چیزی را سوالش کن سپس	تا که مفعول را بیابی باز پس

### فعل معلوم و مجهول

فعل مجهول اولش مضموم بود	در میان فعلها مظلوم بود
گر بود ماضی به عین اش کسره ده	در مضارع بای کسره فتمه ده

### فعل معتل وانواع آن

فعل یا معتل باشد یا صمیم	فعل معتل پیست ای یار فصیم
فعل چون بیمار باشد همچو ما	وای وای گوید کشد آه و نوا
وای و وای باشد نشانی از مریض	وای را فود گفته ای تا مال عزیز
مرف عله نام باشد وای را	فعل را در وقت بیماری بپا

\*\*\*\*\*

مرف عله سه بدان ای طلبه	واو و یاء و الف ومنقلبه
-------------------------	-------------------------





\*\*\*\*\*

عالمان گفتند چهار قسم ای پسر	فعل معتل چند قسم است نام بر؟
یا بگو قف فی مکانک یابن سعد	اولی باشد مثال همچون وعد
سوّمی ناقص بنام ای پاک وش	دوّمی ابوف بنامش چون یعیش
بر دو قسم تقسیم گردد آن بابا	پهارمی باشد لفیف همچون روی
دوّمی مفروق باشد چون وفی	اولی مقرون بود همچون شوی

\*\*\*\*\*

## اعلال

تا تواند در فیابانها رود	آدم بیمار بر د کتر رود
تا که بهبودی بیابد از دوا	معالجه باید نمود معتل را
بر سه نوع درمان شود آن ای سهیل	می شود درمان آن اعلال فعل
یا که مرف عله از آن بر کنید	یا که مرف عله را قلبش کنید
یا همانگونه که است آن می شود	یا که درمانش به ساکن می شود

## جمع مونث سالم



جمع های سالم مفتوم به " ات "      مثل اسم طالبات و کاتبات  
 نصبشان همواره فرعی می شود      لیک رفع و جرشان اصلی بود  
 بای فتمه کسره می گردد بدل      چون " رأیتُ الطَّالِبَاتِ " در مثل  
 هیچگه فتمه بر آن ها راه نیست      فالت نصبی و جرّی شان یکیست

### اعراب در جمع مذکر سالم

جمع سالم کامده بهر ذکر      نیز اعرابش بود طور دگر  
 این چنین جمعی که دارد «واو و نون»      یا که می آید گهی با «یا و نون»  
 " واو " می آید برای رفعشان      ضمّه نبود هیچگه آن را نشان  
 مثل " عَادَ الصَّاعِدُونَ مِنْ جِبَالٍ "      مثل " أَنْتُمْ مُؤْمِنُونَ يَا رِبَالٍ "   
 گر بود با " یا " مثل " مؤمنین "      هست اعرابش هماره این چنین  
 " یا " هم بر " جر " دلالت می کند      هم ز نصب آن مکایت می کند  
 مثل " مَثْوَى الْمُشْرِكِينَ فِي بَعِیمٍ "      چون " رَأَيْتُ الْمُؤْمِنِينَ فِي نَعِيمٍ " .

### اعراب اسم های غیرمنصرف

أحمد و کبری و نوم و طاهره      مریم و عثمان مساجد قاهره



یا به قول تازیان لا ینصرف	بملگی هستند غیر منصرف
هرگز از کسره در آن نبود اثر	فته می گیرند در حالات جر
هر کسی تنوین دهد آگاه نیست	همچنین تنوین بر آنها راه نیست
فاقد " ال " یا اضافه بود اگر	پس بگو " من اَمَدَ " در حال جر
با وجود این دو گردد منصرف	پس همین اسما غیر منصرف

### انواع معرفه

معارف شش بُود مضمَر، اضافه

علم، موصول، ذولام، اشاره

موفق مؤید باشید

علی جعفری

\*\*\*

ایران- سیستان و بلوچستان - زاهدان

